

تأثیر روابط دولت-رسانه بر روند روزنامه‌نگاری توسعه در ترکیه (۲۰۲۱-۱۹۴۵)

حسن صادقیان^۱

یدالله بهجتی^۲

چکیده

روزنامه‌نگاری توسعه از دهه ۱۹۸۰ به بعد به صفاتی همانند بانی ملت-دولت، کارگزاران تقویت‌کننده دولت، حافظان شفافیت، مزین شده است. در همین راستا، هدف مقاله حاضر، واکاوی تأثیر متقابل روابط دولت-رسانه بر روند روزنامه‌نگاری توسعه و تأثیر آن بر فرآیند دموکراسی‌سازی ترکیه است. چارچوب نظری پژوهش حاضر، مبتنی بر «روزنامه‌نگاری توسعه» بوده و از روش «ردیابی فرآیند» بهره‌برداری شده است. در ترکیه، رابطه دولت و رسانه به‌ندرت در قالب رویکرد «خیرخواهی اقتدارگرا» که به ضرورت همکاری رسانه‌ها و دولت تأکید دارد، استوار بوده است؛ معهداً جریان مطبوعات به‌ویژه «روزنامه‌نگاری توسعه» توانسته است در بزنگاه‌های تاریخی نقش روشنفکری حرفه‌ای را بازی کند و انرژی لازم برای جنبش‌های اجتماعی را فراهم نماید. آغاز این روند، به دوره‌ی ورود ترکیه به سیستم چندحزبی در سال ۱۹۴۵ برمی‌گردد؛ دوره‌ای که زمینه‌ی تحولات شگرف در حوزه مطبوعات شکل گرفته بود اما در ادامه به جهت رویه‌ی تمامیت‌خواهی ساختار حاکم (سال‌های ۱۹۵۰)، ناقص باقی ماند. در دهه‌ی ۱۹۶۰، علی‌رغم کودتای نظامیان، به دلیل تصویب قانون اساسی لیبرال، مطبوعات ترکیه با یک فضای سیاسی تکثرگرا مواجه شدند و بدین ترتیب بار دیگر زمینه برای نقش‌آفرینی مطبوعات در رشد افکار و جریانات فراهم گشت. در دهه ۱۹۷۰ به جهت کودتای نظامیان، مطبوعات با موانع سخت مواجه شدند اما با تغییرات ساختاری-کیفی سال‌های ۱۹۸۰، مجدداً عرصه‌ی روزنامه‌نگاری رونق گرفت. دهه‌ی ۱۹۹۰ متأثر از نظام سیاسی آنارشیک‌وار، عرصه مطبوعات هم یک دوره‌ی پر از تشتت را تجربه کرد. از سال‌های ۲۰۰۳ تاکنون هم، جریان مطبوعات به غیر از یک دوره

۱؛ مدرس دانشگاه علامه طباطبائی و همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی.

hasansadeqiyankumar@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. yadollahbehjati@gmail.com

روند سعودی (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷) به جهت کاهش روند دموکراسی‌سازی، تغییر هدف‌دار برخی از مفاد قانون اساسی و تغییر نظام سیاسی از پارلمانی به ریاستی، فضای رشد و توسعه روزنامه‌نگاری توسعه به مراتب محدود شده است.

واژگان کلیدی: روزنامه‌نگاری توسعه، روشنفکری حرفه‌ای، روابط دولت-

رسانه، ردیابی فرایند، ترکیه

مقدمه

در کانون ظرفیت دولت بیش از هر چیز، دولت‌مندی و هویت ملی قرار دارد؛ اساساً، نفوذ دولت بر فرایند دموکراسی‌سازی و میزان استقلال دولت به شدت تحت تأثیر هر یک از الگوهای دولت‌سازی و منابع آن است. بخش دیگری از ظرفیت دولت که بر دموکراسی‌سازی مؤثر است، ویژگی‌های عملکردی و کارآمدی آن است (فاضلی، ۱۳۸۹: ۴۲-۴۳). دولت‌های مختلف ترکیه در طول حداقل یک قرن اخیر از ظرفیت‌های فوق‌الذکر سهم اندکی به ارث برده‌اند؛ به همین دلیل به‌رغم گذشت بیش از یک قرن از تاریخ فرایند دموکراتیزاسیون ترکیه، این کشور همچنان در تقاطع چالش‌های گوناگون قرار دارد. معهذاً، در مفهوم ترکیه دولت، در مواقع بحران و یا تغییرات رادیکال، «اصل پایداری دولت» همیشه یک اولویت بوده، بر تداوم و نظم دولت تأکید و با انجام تعدیلاتی در مسائل جدید، خدمات عمومی ارائه شده است. این وضعیت موجب برجسته شدن ارگان‌های رسانه‌ای متفاوت در رسانه‌های ترک در چارچوب رابطه علت و معلول گردیده است. (Atasayan, 2012: 87-90) در اصل، به همین دلیل هم در ترکیه طی یک قرن اخیر، مراحل گذارِ مربوط به نظارت سازمانی همانند تغییر و تحول دولتی، بازسازی ساختار حکومت مرکزی و ادارات محلی به همراه برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و نظارت از طریق رسانه‌های سراسری و محلی به عنوان رکن چهارم دموکراسی و نظارت‌کننده بر عملکرد دولت، در افکار عمومی انعکاس می‌یابد و بدین شکل روزنامه‌نگاری توسعه، راه را برای مباحث جدید باز می‌کند.

در کشور ترکیه مؤلفه‌های اصلی روزنامه‌نگاری توسعه با ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... موضوعی جدید در خصوص حل‌وفصل مشکلات مربوط به توسعه ارائه کرده و هدف آن خدمت به مردم عادی و نه نخبگان، برنامه‌ریزی در خصوص مسائل تأثیرگذار بر زندگی مردم، پرداختن روزمره به تحولات بلندمدت، بر زبان آوردن انتقادات مستقل از دولت، تمرکز بر تحولات اقتصادی و اجتماعی هنگام شکل‌گیری ملت - دولتو پرداختن به استاندارد زندگی شهروندان عادی است. (Koloğlu, 1993:158). در ترکیه، روزنامه‌نگاری توسعه هم ابزاری برای

ارتباط مؤثر بین دولت و جامعه و شکل‌گیری افکار عمومی بوده و هم نقش‌هایی مانند اطلاع‌رسانی، جامعه‌پذیری و آموزش را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، در ترکیه اطلاع یافتن مردم از تغییرات اداری و فرایندهای گذار صورت گرفته، از سوی روزنامه‌هایی که مواضع سیاسی متفاوتی دارند همانند نوعی مأموریت و وظیفه تلقی شده و بدین وسیله روزنامه‌نگاری توسعه، توسعه یافته است. نقطه‌قوت دیگر اینکه، در تاریخ رسانه‌های ترکیه، تحول روابط دولت-رسانه در پیوند با نظم جهانی، اجتناب‌ناپذیر بوده است. روزنامه‌ها علی‌رغم خصوصی بودن به ارائه خدمات عمومی به شهروندان در تمامی دوره‌ها پرداخته و موضع ایدئولوژیک خاص خود را به خوانندگان القا نموده و عموماً نقش روشنفکران حرفه‌ای را بازی کرده‌اند که انرژی برای جنبش‌های اجتماعی فراهم می‌کند و به خلق آگاهی درباره نیاز به کنش کمک می‌کند.

بنابراین پژوهش حاضر به دنبال ردیابی، واکاوی و پاسخگویی به این سؤال اصلی است:

در ترکیه رابطه دولت و رسانه بیشتر بر چه قالبی استوار بوده و آثار آن بر فرایند دموکراسی‌سازی به ویژه عملکرد روزنامه‌نگاری توسعه چگونه بوده است؟

چارچوب نظری: روزنامه‌نگاری توسعه

چشم‌اندازهای روزنامه‌نگاری توسعه از دهه ۱۹۸۰ به بعد به صفاتی همانند بانی ملت-دولت، شریک دولت، کارگزاران تقویت‌کننده دولت، حافظان شفافیت و ناظر (Romano, 2005:1-14) مزین شده و تحول یافته است. در دهه ۱۹۸۰ در روزنامه‌نگاری توسعه دو رویکرد اصلی مد نظر قرار گرفت: نوع اول به نام روزنامه‌نگاری پژوهشی، به طرح سؤالات انتقادی و ارزیابی بهره‌وری پروژه‌های توسعه می‌پرداخت (Kunczik, 1988: 86). اما نوع دوم با عنوان خیرخواهی اقتدارگرا که از سوی دولت‌های اقتدارگرای قدرتمند پشتیبانی می‌شد، رویکردی معتقد به ضرورت همکاری روزنامه‌ها و دولت‌ها هنگام ملت‌سازی و طی فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود (akt. Xiaoge, 2009:357).

اساساً روزنامه‌نگاری توسعه در فرایند گذر از دولت خودکامه و ورود به نظام‌های لیبرال، «قدرت رسانه» به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی را به ارکان مقننه،

مجریه و قضائیه دموکراسی ضمیمه کرده و به پلی بین دولت و مردم تبدیل شده است. سازمان‌های غیردولتی فعال در عرصه رسانه هم رکن پنجم نظم دموکراتیک می‌باشند. تنش‌های موجود در عرصه روزنامه‌نگاری در کشورهای آسیایی را می‌توان به شکل تطبیقی در کشورهای در حال توسعه (Nasr, 1999:552) و در چارچوب مدل «م‌شروعیت سازمانی» که در آن نظریه و عمل روابط عمومی بررسی می‌شود مورد پژوهش قرار داد. ارزش‌های سنتی آسیایی با مفهوم آزادی مطبوعات به شکل غربی و مواجهه با حاکمان ممکن است تعارض داشته باشد. از همین رو رسانه در کشورهای در حال توسعه باید مکانیسم حل اختلاف و کار گروهی را به پیش ببرد (Patel, Xavier ve Glen, 2005:17-22).

همنت شاه (۱۹۹۶) روزنامه‌نگاری توسعه را مرکب از پنج اصل ذیل می‌داند؛ سه اصل اول مرتبط با رویه گزارشگری و نویسندگی است با این حال دو اصل بعدی را مرتبط با نقش خود روزنامه‌نگاران می‌داند: ۱. روزنامه‌نگاران توسعه نقش روشنفکران حرفه‌ای را بازی می‌کنند، آنها انرژی لازم برای جنبش‌های اجتماعی را فراهم کرده و به خلق آگاهی درباره نیاز به کنش کمک می‌کنند. روزنامه‌نگاران می‌توانند در «بیان ارتباط اشکال اعتراضات نوظهور» و «بیان معنا و مفهوم عمیق‌تر» کمک کنند. ۲. روزنامه‌نگاری توسعه به تولید محتوای رسانه‌ای در ابعاد گوناگون تأکید دارد. تمرکز جهانی به مالکیت در صنعت رسانه، فضای کمی برای تولیدات فرهنگی به جا گذاشته است که از سازوکار دولتی انتظار می‌رود که از تغییرات ساختاری محدود هم حمایت می‌کند. بنابراین روزنامه‌نگاران توسعه هم از توسعه رسانه جایگزین (معمولاً رسانه محلی) و هم از مانیتورینگ انتقادی حمایت می‌کند و گاهی از رسانه جریان اصلی استفاده می‌کند. (The International Encyclopedia of Communication, Volume 3, p:1274)

به طور کلی، روزنامه‌نگاری توسعه به رابطه خصومت‌آمیز رسانه‌های خبری مستقل و حکومت اشاره می‌کند که در آن گزارشگرها ارزیابی و تفسیر انتقادی از طرح‌ها و اجرای طرح‌ها دارند. روزنامه‌نگاری توسعه ارزش‌های خبری سنتی را به چالش می‌کشد، و به نیازهای مردم عادی اولویت می‌دهد و عینیت را یک اسطوره

می‌داند. روزنامه‌نگاری توسعه‌ی اخباری در زمینه انتقاد ساختاری از حکومت و سازمان‌هایش، رهبران اصلاح‌طلب تأثیرگذار در فرایند توسعه و طرح‌های خودیاری محلی را پوشش می‌دهد (Aggarwala 1980; Golding 1974).

معهدا، به محض اینکه مفهوم روزنامه‌نگاری توسعه‌ی طرفدارانی در آسیا و کشورهای دیگر پیدا کرد، سریعاً رهبران ملی رویه‌های روزنامه‌نگاری توسعه را برای توجیه کنترل حکومت بر رسانه‌های جمعی و ارتقاء سیاست‌های دولت، به عنوان بخشی از اقدامات بزرگ سرکوبگرانه به خود اختصاص دادند (Domatob & Hall 1983). گاهی این اختصاص‌سازی «روزنامه‌نگاری توسعه‌ای» نامیده می‌شد (Sussman 1978)، که بیانگر شکلی از گزارشگری و نویسندگی رسانه‌های خبری است که آشکارا و غیرانتقادی از حکومت در دستیابی به اهداف توسعه‌ای حمایت می‌کند.

منتقدان روزنامه‌نگاری توسعه می‌گویند که این مسئله زمینه کنترل حکومتی مطبوعات را فراهم کرده است. منتقدان روزنامه‌نگاری توسعه نظیر مؤسسان بنیاد مطبوعات آسیا بر این باورند که نتیجه این کنترل توجه بر پوشش اخبار حکومت، روزنامه‌نگاری حکومتی غیرانتقادی، اخبار بدون تحقیق و توسعه‌ای بود.

روزنامه‌نگاری توسعه در ایران جزء موضوعاتی است که چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ کتاب «روزنامه‌نگاری توسعه؛ روند تاریخی و نیازهای ایران» تنها اثری است که توسط سعید ارکان‌زاده یزدی در سال ۱۳۹۵ نگارش شده است. در بخش مقالات هم چند مقاله‌ای نگارش شده است که بیشتر با موضوعات فرعی همراه است؛ نظیر مقاله «بررسی جایگاه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و توسعه در مطبوعات محلی؛ تحلیل محتوای پنج روستای استان خوزستان» است که مجله علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۲ چاپ کرده است. در حقیقت هیچ مقاله‌ای به زبان فارسی در حوزه مطبوعات و روزنامه‌نگاری توسعه ترکیه نگارش نشده است؛ لذا مقاله حاضر یک نوآوری محسوب می‌شود.

روش پژوهش: ردیابی فرآیند

تحلیل درون‌موردی به بررسی ویژگی‌ها، ساختارها و فرآیندهایی می‌پردازد که تنها در یک مورد واحد وجود دارد. همچنین، تحلیل درون‌موردی شیوه‌ای از استنباط علی است که در آن محققان، فرضیات تحقیق را در پرتو مشخصات و ویژگی‌های موردی خاص، آزمون می‌کنند. (طالبان، ۱۳۸۷: ۵). به‌طور کلی از سه نوع تکنیک در تحلیل درون‌موردی استفاده می‌شود: ۱. تطبیق الگو؛ تکنیکی که در آن محقق به بررسی و ارزیابی ارتباط‌های بین موردی و تئوریک در پی شواهد درون‌موردی می‌پردازد؛ ۲. ردیابی فرآیند؛ تکنیکی که در آن محقق می‌کوشد مکانیسم‌ها و سازوکارهای علی‌ای را مشخص کند که متغیر تبیینی را به یک پیامد پیوند می‌دهد؛ ۳. روایت علی؛ این تکنیک تحلیل درون‌موردی را از طریق مقایسه چندین مورد بر حسب توالی حوادث یا وقایعی که به پیامد یا نتیجه مورد بررسی منجر شده‌اند، ترکیب می‌کند. (کافی، ۱۳۹۵: ۱۵۵)

مهم‌ترین نوع تحلیل درون‌موردی «ردیابی فرآیند» است که یک ابزار اساسی برای تحلیل کیفی می‌باشد. ردیابی فرآیند تکنیکی است که در آن تحلیل‌گر تلاش می‌کند تا مکانیسم‌های علی‌ای را مشخص کند که متغیر تبیینی را به یک پیامد پیوند می‌دهد. به تعبیر دیگر ردیابی فرآیند تکنیکی است که به محقق کمک می‌کند تا به بررسی مکانیسم‌های معینی بپردازد که از طریق آن‌ها یک متغیر مستقل به یک متغیر وابسته پیوند می‌خورد. اساساً ردیابی فرآیند توجه جدی به توالی متغیرهای مستقل، وابسته و مداخله دارد (Collier, 2011:1) و غالباً مبتنی بر این پیش‌فرض است که مطالعه تبیینی یک پدیده خاص و منفرد، مستلزم فهم فرآیند وقوع یا ردیابی توالی علی حوادثی است که متعاقب هم آمده‌اند. از این‌رو برای تبیین یک واقعه خاص باید آن را در یک پیوستار علی قرار داد و مراحل مختلف وقوع آن پدیده را روشن ساخت. ردیابی فرآیند ذاتاً مسیرهای تغییر و تحول را بررسی می‌کند؛ در یک معنا، فرآیند را می‌توان زنجیره‌ی پیش‌رونده‌ی عمل/تعامل دانست که در طول زمان و مکان، گاه در واکنش به موقعیت یا زمینه، تغییر می‌کند و گاه ثابت می‌ماند. این عمل/تعامل ممکن است شگردی باشد که عامل در واکنش به موقعیت‌های مشکل به

کار می‌بندد، یا ممکن است عادی باشد و بدون تفکر انجام گیرد؛ این عمل/تعامل ممکن است منظم، منقطع، متوالی یا هماهنگ و در بعضی موارد آشفته باشد. آنچه فرایند عمل/تعامل را می‌سازد ماهیت پیش‌رونده و اشکال گوناگون آن و پیش‌بردن همه اجزای مرتبط به‌سوی هدف واحد است (استراوس، کربین، ۱۳۹۰: ۱۸۵). در پژوهش حاضر تقریباً یک دوره صد ساله انتخاب شده است اما به جهت اینکه آغاز دوره نظام سیاسی چندحزبی و فرایند دموکراسی‌سازی به سال‌های ۱۹۴۵ بر می‌گردد، تمرکز اصلی به بازه زمانی بعد از پایان جنگ جهانی دوم است که در حقیقت نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ترکیه محسوب می‌شود. در واقع، ردیابی فرایند «رابطه رسانه و دولت» در بازه‌های زمانی قید شده در پژوهش حاضر، بر اساس نظام سیاسی حاکم در هر دوره و تأثیرات نظام جهانی انتخاب شده است.

مطبوعات و رسانه‌های ترکیه در دوره‌ی ۱۹۵۰-۱۹۴۵

مطبوعات در ترکیه در عصر تنظیمات شکل گرفت اما بعد از انقلاب مشروطیت در سال ۱۸۷۶ است که به شکل جدی و مدرن خود را بروز می‌دهد. با فروپاشی عثمانی و تأسیس نظام جمهوری در زمان آتاتورک، مطبوعات ترک وارد دوره نوینی شد که تا سال ۱۹۴۶ ادامه داشت. اولین قانون مطبوعات در دوره جمهوریت، در سال ۱۹۳۱ وضع و در سال ۱۹۳۵ اولین کنگره مطبوعات در آنکارا برگزار شد. وضع قانون مطبوعات، نشان‌دهنده تأثیر این حوزه بر افکار عمومی و به‌رسمیت شناخته شدن این تأثیر بود (Bulunmaz, 2012, 5).

بعد از دوره حاکمیت آتاتورک و پایان جنگ جهانی دوم، ترکیه با تحول بزرگی در عرصه سیاسی مواجه شد که به تبع آن در نظام رسانه‌ای و مطبوعات این کشور هم منعکس یافت. در سال ۱۹۴۵ با رایزنی‌های آمریکا با هدف جلوگیری از نفوذ شوروی در ترکیه، سیستم سیاسی چندحزبی در این کشور پایه‌گذاری شد و به موازات این تحول در نظام سیاسی، رسانه‌ها به مثابه رکن چهارم سیستم‌های دمکراتیک، آزادی عمل بی‌سابقه‌ای در مقایسه با گذشته پیدا کردند. به عبارت دیگر با ورود به سیستم چندحزبی در سال ۱۹۴۶ تغییر و تحولات صورت گرفته در سیستم‌های اجتماعی و عرصه‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی در رسانه‌ها نیز

انعکاس یافت (Alver, 2011:332). به طوری که، رسانه‌های ترکیه همپای آزادی احزاب و انتخابات و شکل‌گیری دموکراسی، نفوذ خود را گسترش دادند. در همین راستا، با اعلام سیستم چندحزبی و ورود به عصر انتخابات رقابتی بین احزاب مختلف، حزب تازه تأسیس دمکرات برای رسیدن به قدرت و پیروزی در برابر حزب حاکم جمهوری خواه خلق، خود را به شکل بزرگترین حامی آزادی رسانه در بین سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۵۰ نشان داد. حزب حاکم برای جلب آرای مردم، تغییراتی مثبت در قانون مطبوعات وقت ایجاد کرد و آن را در سال ۱۹۴۶ در مجلس به تصویب رساند (Bulunmaz, 2012: 5).

در پی ورود به سیستم چندحزبی، در همان سال ۱۹۴۶ شمار مطبوعات ترک به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش می‌یابد و تیراژ روزانه ۲۰۲ روزنامه و ۳۰۲ مجله، به صدها هزار می‌رسد. روزنامه‌های آکشام، تصویر، یئنی، صباح، اولوس، طنین، حریت، ظفر، ملیت، یئنی‌استانبول، از روزنامه‌های برجسته این دوره به شمار می‌روند. این دوره چهار ساله نقطه عطف حوزه رسانه در این کشور محسوب می‌شود؛ به طوری که آثار آن هنوز بر جامعه مطبوعاتی ترکیه سنگینی می‌کند (Bulunmaz, 2012: 5). بنابراین در این دوره، خط و مشی روزنامه‌ها بیشتر تحت تأثیر تحولات جهانی و تغییر شیوه حکمرانی است و اساساً بر اساس رویه سیاسی ساختار حاکم به اشاعه موضع ایدئولوژیک خاص خود و القا آن به خوانندگان می‌پردازند. معیذاً، متأثر از تغییر شیوه حکمرانی از تک‌حزبی به چندحزبی و حاکم شدن فضای سیاسی منعطف و نسبتاً دموکراتیک، روزنامه‌نگاران توسعه توانستند نقش روشنفکران حرفه‌ای را بازی کنند، برای جنبش‌های اجتماعی تولید انرژی کنند و به تولید آگاهی درباره نیاز به کنش کمک نمایند.

مطبوعات و رسانه‌های ترکیه در دهه ۱۹۵۰

در انتخابات سال ۱۹۵۰ حزب دمکرات که مشی لیبرال داشت با حمایت مطبوعات وقت توانست به تنهایی برنده شود و آزادی مطبوعات را در دستور کار خود قرار داد. روزنامه‌نگاران از پیروزی حزب دمکرات بسیار خرسند بودند و روابط نزدیکی بین دولت و روزنامه‌نگاران در اوایل این دوره برقرار شد. عدنان مندرس نخست‌وزیر

جدید در گفتگو با فعالان مطبوعاتی صحبت از برآوردن خواست‌های روزنامه‌نگاران کرد و قانونی در سال ۱۹۵۲ با هدف تنظیم روابط فعالان مطبوعاتی و کارفرمایان این حوزه وضع شد. طبق این قانون، حقوق ذیل به روزنامه‌نگاران اعطا شد:

- تشکیل سندیکا
- بهره‌مندی از بیمه‌های اجتماعی
- اجباری بودن انعقاد قرارداد بین کارفرما و روزنامه‌نگاران
- پرداخت غرامت سابقه کار به روزنامه‌نگاران در صورت فسخ قرارداد کار از سوی کارفرما
- پرداخت دستمزد به روزنامه‌نگاران در صورت تعطیلی روزنامه
- تعطیل هفتگی و مرخصی سالانه با دستمزد.

این قانون در آن دوره بسیار پیشرو و مهم محسوب می‌شد (Topuz, Cumhuriyet, 2020)؛ اما با اعمال فشار سیاسی بر حزب مخالف جمهوری خواه خلق از طرف دولت، سرکوب رسانه‌ها خیلی زود شروع شد (Alver, 2011: 328, 331). عدنان مندرس در مقابل انتقادات، بسیار تحمل‌ناپذیر بود. رسانه‌های مخالف در فرایند تاریخی از طرف دولت‌هایی که خواهان کنترل مطبوعات بودند با سرکوب و مشکل مواجه شد، سانسور رسانه‌ای اعمال گردید و «آزادی مطبوعات» به کانون محوری مناقشات سیاسی تبدیل شد (Gürkan, 1998:14).

در اوایل دهه ۱۹۵۰ با فراهم شدن شرایط جهت فعالیت آزادانه‌تر مطبوعات از سوی دولت حزب دمکرات، روزنامه‌ها و مجلات بسیاری از جمله ملیت، حریت، وطن، جمهوریت، آک‌شام، یئنی استانبول، دنیا، استانبول اکسپرس، ترجمان، اولوس، ظفر، شروع به فعالیت کردند. تعداد روزنامه‌ها از ۴۷۷ در سال ۱۹۵۰ به ۹۴۲ در سال ۱۹۶۰ رسید. محتوای سیاسی روزنامه‌ها بازتابی از تعارضات بین نگرش‌های دین‌محور حزب دمکرات با عقاید مبتنی بر لائسیسم حزب جمهوری خواه خلق بود (Alver, 2011:336).

آگهی‌های تبلیغاتی در دوره حزب دمکرات بدون توجه به شمارگان روزنامه‌ها و آبونه‌ها توزیع می‌شد. با این وجود روزنامه‌های دولت در رده نخست، روزنامه‌های

حامی دولت در جایگاه دوم و مطبوعات بی‌طرف در دسته سوم قرار داده شدند (MEGEP, 2008:54). روزنامه‌هایی که منتقد سیاست خارجی وابسته به آمریکا و بحران‌های اقتصادی و سیاسی ناشی از استفاده از منابع کشور به صورت نامتوازن و بی‌برنامه بودند با موانع قانونی و اداری و فشار سیاسی دولت مواجه شدند (Alver, 2011:335).

با تأثیرات ناشی از جنگ کره و بحران‌های اقتصادی روزافزون، قوانین مطبوعاتی سخت و وضع گردید؛ طوری که تدابیری جهت ایجاد محدودیت بر روی مطبوعات از سوی کمیسیون وضعیت فوق‌العاده اتخاذ شد و نشر اخبار تحریک‌کننده مردم، انتقاد از حکومت و اخبار مربوط به دولت‌های عضو ناتو ممنوع گردید (MEGEP, 2008:53).

دوره‌ی سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰، دوره‌ی تشکیل پرونده‌های فراوان علیه مطبوعات ترک، زندانی کردن روزنامه‌نگاران و تعطیلی روزنامه‌هاست. مندرس به روش‌های مختلف از طریق ایجاد قوانین متعدد، روز به روز محدودیت‌های بیشتری بر مطبوعات ایجاد کرد. در نتیجه‌ی فشار روزافزون دولت حزب دموکرات و اعطای امتیازات بسیار به طبقه دین‌داران در نیمه دوم دهه ۱۹۵۰، روزنامه‌نگاران کشته شدند، روزنامه‌های اولوس، وطن و ملت با فشار مالی مواجه شدند، تعقیب چپ‌گرایان در سال‌های ۱۹۵۱، ۱۹۵۲ و ۱۹۵۸ چند صدایی موجود در مطبوعات را خاموش کرد (Koloğlu, 1993:102, 104)، برخی از روزنامه‌ها از جمله حریت پیوسته تعطیل شدند، مواد قانونی محدودیت‌آور جدیدی بر قانون مطبوعات در سال ۱۹۵۶ اضافه شد، روزنامه‌ها با فشار اقتصادی مواجه شدند، انحصار دولتی در سال ۱۹۵۷ به مقوله واردات کاغذ روزنامه و مجلات و در سال ۱۹۵۸ به عرصه توزیع آگهی‌های دولتی ورود کرد و روابط دولت-رسانه به دلایلی مانند سهمیه کاغذ و آگهی‌های دولتی متشنج شد. (MEGEP, 2008:52-53) در این دوره، هر روز پرونده‌های جدیدی علیه روزنامه‌نگاران باز می‌شد و روزنامه‌نگاران به ویژه آنهایی که به روزنامه‌های زمان، اولوس، یئنی‌گون، ملیت، جمهوریت، دنیا، وطن و ترجمان وابسته بودند، مجبور به پاسخگویی به اتهامات وارده بودند. اساساً، سال‌های بین ۱۹۵۴ و

۱۹۶۰ به دوره‌ی پرونده‌سازی علیه فعالان مطبوعاتی معروف بود؛ (Eşel, 2011) طوری که در دوره ۱۰ ساله‌ی دولت حزب دمکرات، ۸۶۷ روزنامه‌نگار بازداشت و ۲۳۰۰ پرونده علیه مطبوعات گشوده شد (Topuz, Cumhuriyet, 2020). سرکوب تا جایی پیش رفت که مجلس با ایجاد کمیسیون بررسی، هر روز ممنوعیت‌های مختلفی برای فعالان مطبوعات ایجاد می‌کرد. همچنین با برقراری حکومت نظامی در استانبول و آنکارا، روزنامه‌ها با محدودیت‌های جدیدی رو به رو شدند.

به طور کلی در آن دوره و به‌خصوص در اواخر دهه ۱۹۵۰ اثری از آزادی مطبوعات باقی نمانده بود. دوره مندرس برای روزنامه‌نگاران، دوران سرکوب و محدودیت بود و به همین دلیل، آنها از کودتای ۱۹۶۰ علیه مندرس استقبال کردند (Topuz, Cumhuriyet, 2020).

در این دوره، همان‌طور که از سطور فوق قابل استنتاج است روزنامه‌نگاری توسعه همچنان تحت تأثیر تحولات جهانی است و ساختار سیاسی بر اساس معادلات جهانی، مطبوعات و رسانه‌ها را تحت فشار قرار داده و محدودیت‌های زیادی علیه آنها اعمال می‌کند. معهدا، عنصر اصلی و تعیین‌کننده‌ی روابط دولت-رسانه، شیوه حکمرانی و سیاست‌ورزی «حزب دموکرات» است. اساساً ثبت ۸۶۷ روزنامه‌نگار بازداشتی، محکومیت ۲۸۳ روزنامه‌نگار و گشوده شدن ۲۳۰۰ پرونده علیه مطبوعات و ۱۱۶۱ روزنامه‌نگار در دوره ۱۰ ساله دولت حزب دموکرات نشان می‌دهد که رویه «خیرخواهی اقتدارگرا» که رویکردی معتقد به ضرورت همکاری روزنامه‌ها و دولت‌ها، هنگام ملت‌سازی و طی فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، در این دوره محقق نشده است.

مطبوعات و رسانه‌های ترکیه در دهه ۱۹۶۰

بعد از کودتای ارتش در روز ۲۷ می سال ۱۹۶۰ موانع پیش روی مطبوعات لغو گردید و سازمان مطبوعات مجدداً بازگشایی شد (Koloğlu, 1993:106). اما با وضع دو قانون مهم مطبوعاتی، از طرف دولت وحدت ملی بعد از کودتا، صاحبان رسانه‌ها ناخشنود شده و با انتشار اطلاعیه‌ای اعتراض‌آمیز، در تاریخ ۱۱ تا ۱۳ ژانویه

۱۹۶۱ انتشار روزنامه‌ها را متوقف کردند (MEGEP, 2008:57-59; Topuz, 2003:228-231). در قانون‌های اساسی قبل از سال ۱۹۶۱ آزادی مطبوعات با عبارات مبهمی همانند «مطبوعات ذیل قانون، آزاد هستند» توصیف می‌شد؛ اما با قانون اساسی سال ۱۹۶۱ قوانین جامعی درباره رسانه‌ها وضع گردید. مقرر شد که سازمان رادیو و تلویزیون ترکیه (TRT) با جایگاهی خودمختار، فراجزی، بی‌طرف و خودناظر بر عملکرد مالی تأسیس شود اما این سازمان شاهد مداخلات و فشارهای دولت‌های مختلف بود (Alver, 2011:342).

بعد از تأیید قانون اساسی مدنی در فراندوم سال ۱۹۶۱ حزب عدالت که تداوم حزب دموکرات به حساب می‌آمد با حزب جمهوری‌خواه خلق و سپس با احزاب دیگر ائتلاف تشکیل داد و قدرت را به دست گرفت. سپس ائتلاف‌های به رهبری حزب جمهوری‌خواه خلق وارد عرصه شد اما در انتخابات سال ۱۹۶۵ حزب عدالت به رهبری سلیمان دمیرل به تنهایی پیروز گردید (Koloğlu, 1993:106). در این دوره، روزنامه‌ها توانستند از ممنوعیت‌های وضع شده در دولت حزب دموکرات سخن بگویند. رسانه‌های چپ‌گرا با مجلات یون (۱۹۶۷-۱۹۶۱)، دئوریم (۱۹۷۱-۱۹۶۹) و آنت (۱۹۶۷-۱۹۷۱) با گرایش‌های مختلف به فعالیت پرداختند. همچنین روزنامه‌ها با افکار و تفاسیر آزادانه خود توانستند مخاطبان گسترده‌ای به دست آورند (Topuz, 2003:238-239).

در این دوره، به دلیل وقوع کودتای نظامی و تصویب قانون اساسی جدید، عنصر اصلی و تعیین‌کننده‌ی روابط دولت-رسانه، شیوه حکمرانی و سیاست‌ورزی ساختار حاکم است. اساساً متأثر از تغییر و تحولات داخلی و تصویب قوانین جدید که به «لیبرال‌ترین قانون اساسی تاریخ ترکیه» مشهور است، رسانه‌ها و مطبوعات ترکیه با یک فضای سیاسی پلورالیستی و سازوارانه مواجه شدند و بدین ترتیب زمینه برای رشد و تعالی افکار و اندیشه‌ها فراهم گشت. در واقع به همین جهت است که در این دوره هم روزنامه‌نگاران توسعه نقش روشنفکران حرفه‌ای را بازی کردند، انرژی برای جنبش‌های اجتماعی فراهم نمودند، در تولید آگاهی درباره نیاز به کنش فعال بودند و از همه مهم‌تر روزنامه‌نگاران توانستند در «بیان ارتباط اشکال اعتراضات نوظهور» و

«بیان معنا و مفهوم عمیقتر» نقش آفرین با شدند. به عنوان مثال علی رغم دوره‌های قبل از ۱۹۶۰، که سخنی از سوسیالیسم نمی‌رفت و مورد بحث قرار نمی‌گرفت، پس از ۱۹۶۰ بیشترین مطالعات جامعه‌شناختی، معطوف بر موضوع سوسیالیسم است (توکل، تراب‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵۱).

اساساً، در سال‌های ۱۹۵۰ الی ۱۹۶۰، جامعه‌شناسان با پرداختن به موضوعاتی چون وضعیت چاپ و مطبوعات، رادیو و تلویزیون و تأثیرات اجتماعی آنها، پایه‌های جامعه‌شناسی ارتباطات را بنا نهادند. در اصل، برای اولین بار در این دوره است که مقالات و کتاب‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناختی تألیف و منتشر شد (توکل، تراب‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴۷). هرچند نهایتاً به دلیل ظرفیت محدود و ضعیف دولت ترکیه در این دوره، این روند رو به رشد و توسعه تحمل نشد و با کودتای مجدد ارتش در سال ۱۹۷۱ متوقف گردید.

مطبوعات و رسانه‌های ترکیه‌ای سال‌های ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۰

سپهر سیاست در این دوره به تدریج به سمت آنارشی و ترور به پیش رفت؛ طوریکه دسته‌بندی‌های مختلف گروه‌های راست‌گرا و چپ‌گرا، ارگان مطبوعاتی داشتند (Koloğlu, 1993:105). با کودتای ۱۲ مارس ۱۹۷۱ دولت حزب عدالت به پایان رسید و دولت‌ها به سرعت تشکیل و منحل می‌شدند. قانون مطبوعات حکومت موقت در این دوره با واکنش روزنامه‌نگاران و سندیکای روزنامه‌نگاران ترکیه رو به رو گردید. بسیاری از روزنامه‌نگاران و نویسندگان به بازداشت، زندان و تبعید محکوم شدند. کودتای ۱۹۷۱ برای جامعه ترکیه، معنای «لوکس بودن آزادی‌ها و سیستم دمکراتیک معاصر مبتنی بر قانون اساسی» را به خود گرفت. با اعمال محدودیت در ساختار آزادی‌خواه، ترمز دینامیزم قانون اساسی سال ۱۹۶۱ بریده شد و بدین ترتیب پرونده‌ها علیه رسانه‌ها یکی از پس دیگری گشوده شد (Alver, 2011:339).

معهداً، در این دوره روزنامه‌هایی مانند بلوار، ملی گازئته، گونش، یئنی‌آسیا، هرگون و پلیتیکا فعالیت خود را آغاز کردند. بعد از ورود فناوری افسست به مطبوعات ترکیه در سال ۱۹۶۴، روزنامه‌گون‌آیدین این فناوری را در اوایل دهه ۱۹۷۰ به کار گرفت و عکس‌ها و عناوین خبری متعددی را منتشر کرد. سپس روزنامه‌های حریت،

ترجمان و ملیت این فن را به کار بردند (MEGEP, 2008:66). در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ کثرت‌گرایی و تنوع در مطبوعات منعکس شد. در سال ۱۹۷۹ مجموع تیراژ روزنامه‌ها روزانه به ۳ میلیون عدد رسید. خبرگزاری‌های خارجی هم در عرصه سیاست بین‌الملل سرمایه‌گذاری کردند و در نتیجه رسانه‌های ترک هم به غیر از امور مطبوعاتی، وارد عرصه فعالیت‌های اقتصادی شدند (Aksoy, 1993:82-83). طوری که در اواخر دهه ۱۹۷۰ رسانه‌های ترکیه به شکل هلدینگ درآمدند، سرمایه‌گذاری‌های فنی افزایش یافت و روزنامه‌نگاری تبدیل به شغلی درآمدزا گردید (Özsever, 2004:116).

در این دوره هم، به دلیل وقوع کودتای نظامی، عنصر اصلی و تعیین‌کننده‌ی روابط دولت-رسانه، همچنان شیوه حکمرانی و سیاست‌ورزی ساختار حاکم است، با این تفاوت که برخلاف دوره قبل که متأثر از تغییر و تحولات داخلی و تصویب قوانین لیبرال، رسانه‌ها و مطبوعات ترکیه با یک فضای سیاسی تکثرگرا و سازوارانه مواجه شدند و زمینه برای رشد و تعالی افکار و اندیشه‌ها فراهم گشت؛ با یک روند جدید رو به رو هستیم که اساساً با ماهیت هویتی مطبوعات و رسانه‌ها در تضاد است. به عبارت دیگر در این دوره شاهد ورود رسانه‌ها از عرصه روشنگری به عرصه تجاری هستیم؛ عرصه‌ای که روزنامه‌نگاری به محل درآمدزایی مبدل شدند. به همین دلیل است که در این دوره عرصه مطبوعات و رسانه نتوانست انرژی خاصی برای جنبش‌های اجتماعی فراهم کنند و اساساً اشکال جدید از اعتراضات و مفاهیمی نوین از عرصه سیاست و سیاست‌ورزی تولید نشد.

مطبوعات و رسانه‌های ترکیه در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰

در این دوره، سیاست‌های نئولیبرال اعتبار بزرگی کسب کردند، هلدینگ‌ها از بیرون در بخش‌های رسانه وارد شدند، از طریق ابزارهای رسانه به تداوم حاکمیت ایدئولوژیک سرمایه تلاش شد، و انحصار در عرصه رسانه آغاز گردید. (Özsever, 2004: 116) بعد از قانون مصوب ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰، قیمت کاغذ روزنامه افزایش یافت و مالیات‌های تولید به سرعت بالا رفت و مطبوعات با تیراژ پایین بیشتر به محل تبلیغات تبدیل شدند. در حقیقت، از سال ۱۹۸۰ به بعد مطبوعات نیازمند آگهی‌های

بخش خصوصی شدند و به جهت فاصله‌گیری از مردم، هیچ افزایشی در تیراژ مطبوعات و ادبیات به وجود نیامد. (Ceyhun, 1984: 137,237)

در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، بار دیگر ارتش به منظور پایان دادن به ترور و آنارشی، مدیریت کشور را به دست گرفت. لذا، مجدداً ترمز کثرت‌گرایی کشیده شد و شبکه تلویزیونی خصوصی «تی آر تی» متعلق به سال‌های ۱۹۶۱، تحت کنترل دولت قرار گرفت. (Koloğu, 1993: 105) روزنامه‌های «دموکرات»، «آیدینلیک» و «هرگون» توقیف شدند. انتشار روزنامه‌های متعدد شامل «ملّی قازته»، «جمهوریت»، «ترجمان»، «گون آیدین»، «گونش»، «ملیت»، «تان»، «حریت»، طی بازه‌های زمانی مختلف توقیف شدند. علیه چندین روزنامه اعلام شکایت شد، سندیکای روزنامه‌نگاران ترکیه تا تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۰ بسته شد، روزنامه‌نگاران تحت تعقیب قرار گرفته و برخی از آنها دستگیر شدند. (Topuz, 2003: 257) در حقیقت در این دوره، خفقان سیاسی و سرکوب، صدای بلوک اپوزیسیون را خفه و عرصه مطبوعات را تنگ‌تر نمود. طوری که، دوره‌ی جدید سیاست‌زدایی جامعه و مطبوعات آغاز شد و مطبوعاتی که صاحب سرمایه نبودند، تسویه شدند. (Özsever, 2004: 116)

تورگوت اوزال که در تصمیمات ۲۴ ژانویه و آزادسازی اقتصاد ترکیه نقش مهمی ایفا کرده بود، بعد از کودتای ۱۲ سپتامبر به‌عنوان رئیس «حزب آناوطن» (ANAP) در رأس قدرت قرار گرفت و گذار به اقتصاد لیبرال را آغاز نمود. (Alver, 2011: 347-348) با این گذار، دوره‌ی جدید در عرصه سیاسی و به تبع آن حوزه روزنامه‌نگاری و رسانه‌ای ترکیه فراهم گشت. در دوره نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری اوزال با انتخاب اقتصاد لیبرال، گشایش خارجی آغاز شد؛ طوری که لیبرالیزم اقتصادی سال‌های ۱۹۸۰، مطبوعات ترکیه را هم دربرگرفت. پخش و انتشار رادیو و تلویزیون از انحصار دولت خارج شد و شبکه‌ها و کانال‌های خصوصی تلویزیونی تأسیس شدند. (Alver, 2011: ۳۳۱) در سال‌های ۱۹۸۰ همراه با انحصار رسانه، یک تیپ روزنامه‌نگار وابسته به درآمدهای مدیران هلدینگ‌ها ظهور یافت، و روزنامه‌نگارانی که دغدغه مطالبات و نیازمندی‌های مردم را داشتند، در حاشیه قرار داده شد. در حقیقت

علاقه و هوس انتشار موضوعات خبرساز و ستاره‌ساز، علاقه و درک «گزارش عمومی» را تضعیف نمود. (Özsever, 2004: 149-150)

در بین سال‌های ۱۹۸۰ الی ۱۹۹۰ مطبوعات ترکیه به‌لحاظ ساختاری و تکنولوژیک یک تحول و تغییر اساسی را تجربه کرد. در حقیقت ورود ترکیه به اقتصادی سیاسی لیبرال، برای جامعه مطبوعات ترکیه هم مهم بود؛ چراکه با تغییرات ساختاری - کیفی سال‌های ۱۹۸۰، عرصه روزنامه‌نگاری هم رونق گرفت. در همین راستا، از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد، جای خالی اخبار سیاسی را اخبار اقتصادی پر کرد که حداقل ۴۵ درصد محتوای روزنامه‌های مهمی همچون «باب عالی» و «جمهوریت» به موضوعات و اخبار اقتصادی اختصاص داده می‌شد و تیراژ آنها به مراتب فزونی یافت (Ceyhun, 1984: 231-237). همچنین برای اولین بار در این دوره «روزنامه‌گری آنلاین» ظهور کرد که روزنامه‌های مشهوری همچون «صباح»، «حریت»، «جمهوریت»، «ملیت»، «ترجمان»، «زمان» و «گونش» از نمونه‌های بارز آنها بودند. (Alver, 2011: 362)

در سال ۱۹۸۸، به منظور جلوگیری از تأثیرات سیاست‌های بیرونی، حفاظت از حقوق آزادی و مصونیت مطبوعات و دفاع از فهم و آگاهی مردم از حقایق، «شورای نشر» تأسیس شد؛ (Alver, 2011: 398, 399) معهدا، این روند رو به رشد فرایند دموکراسی‌سازی ظاهری بود و از آزادی واقعی مطبوعات همچنان خبری نبود. در این دوره، مفهوم «مطبوعات» به مفهوم «رسانه» تغییر یافت؛ روزنامه‌نگاری از چارچوب اصلی خود یعنی آگاهی‌بخشی به مردم، خارج شد؛ ارتباط میان رسانه - حکومت بیشتر شد و تمایلات انحصارگرایانه تقویت گردید. رسانه‌های ترکیه، به جای منابع خود، از منابع حمایتی دولتی بهره‌مند شدند و صاحب تکنولوژی‌های عظیم گشتند. عرف «روزنامه‌نگار کارفرما»ی دوره جمهوریت تغییر یافت و ارگان‌های رسانه‌ای را «کارفرمایان خارج از مطبوعات» به دست گرفتند. صاحبان رسانه، با فعالیت‌های غیر مطبوعاتی و اقدامات صنعتی‌سازی، بازار عرضه - تقاضا را تغییر دادند. (MEGEP, 2008: 69) در سال‌های ۱۹۹۰، با ورود گروه‌های دوغان، بیلگین و چوکوراوا به

بخش های غیررسانه‌ای، یک انحصارگرایی زیگزاگی - متقاطع آغاز شد.
(Özsever, 2003: 116)

در این دوره، تعداد زیادی از مدیر مسئولان مجلات به زندان افتادند، روزنامه‌های زیادی نظیر حریت، ملیت، جمهوریت، صباح، بوگون، ترکیه، گون‌آیدین، تان، ترجمان، ملی قازته، ینی‌نسیل، جریمه شدند. در اصل، سال ۱۹۹۰ برای مطبوعات ترکیه به‌عنوان «سال سیاه» اعلام گردید (Topuz, 2003: 272) همان‌طور که در سطور بالا اشاره شد، در این دوره مطبوعات ترکیه به‌لحاظ ساختاری و تکنولوژیک یک تحول و تغییر اساسی را تجربه کرد که چند ویژگی مهم داشت:

- ورود عملی هلدینگ‌ها به عرصه رسانه و آغاز انحصارگرایی در عرصه رسانه و

مطبوعات

- آغاز دوره روزنامه‌گری گزینشی و کاهش شدید تیراژ مطبوعات

- افزایش آمار اخبار اقتصادی و افزایش تیراژ آنها

- تلطیف فضای سیاسی و آغاز گشایش در عرصه روزنامه‌نگاری

- ظهور روزنامه‌نگاری آنلاین

- افزایش گرایش‌ها به غرب‌گرایی در مطبوعات

- افزایش ارتباط میان رسانه و حکومت و تشدید وابستگی مطبوعات به

ساختار حکومتی

- تغییر فرهنگ و عرف «روزنامه‌نگار کارفرما» به «کارفرمای خارج از

مطبوعات»

- تشدید فشارها و سرکوب‌ها در پایان دهه و انتخاب «سال سیاه» برای

مطبوعات در سال ۱۹۹۰

بنابراین، در این دوره عنصر اصلی و تعیین‌کننده‌ی روابط دولت-رسانه،

تلفیقی از شیوه حکمرانی و ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل است. در اصل، روند

تجاری‌سازی مطبوعات که از دوره قبل آغاز شده بود، در این دوره به دلیل گسترش

گرایش‌های اقتصاد لیبرالی، در ابعاد گسترده‌ای اشاعه یافت و مفاهیمی نوین از عرصه

سیاست و سیاست‌ورزی خلق نمود که بیشتر رنگ و بوی لیبرالیستی و غرب‌گرایی داشت. هرچند در این دوره هم قالب اقتدارگرایی نظام سیاسی ترکیه، اجازه نداد توسعه و تعالی جریان مطبوعاتی ترکیه از جمله روزنامه‌نگاری توسعه روند صعودی خود را ادامه دهد و موانع جدیدی در قبال روزنامه‌نگاران ایجاد شد و اساساً مسیر روزنامه‌نگاری را تغییر دادند و به سمت تجاری‌سازی و مصرف‌گرایی کشاندند و نهایتاً بخش بزرگی از هلدینگ‌های رسانه‌ای به ابزار توجیهی و تبلیغی دولت و ساختار سیاسی مبدل شدند.

مطبوعات و رسانه‌های ترکیه در دهه ۹۰ میلادی

در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۸۹ فعالیت‌های مالی- سرمایه‌ای در عرصه اقتصادی آزاد اعلام شد و به تبع آن سیستم سیاسی به پوپولیسم متمایل شد (Alver, 2011: 348) و در عرصه رسانه، انحصارگرایی زیگراگی افزایش یافت؛ لذا گروه‌های رسانه‌ای مطبوعاتی، شبکه‌های تلویزیونی را خریدند و در اختیار بخش‌های غیررسانه‌ای شامل بانک، بیمه و توریسم قرار دادند. (Özsever, 2004: 116) همچنین، اعتبارات تشویقی اختصاصی‌یافته به مطبوعات و گروه‌های انتشاراتی صنعتی شده به انحصار کشیده شد. گروه‌های رسانه‌ای بزرگ با ورود به حوزه انتشار کارتلیسمی، روزنامه‌ها و مجلات را وابسته به خود کردند و بازار بخش تبلیغات را تحت کنترل خود درآوردند. (Erdogan, 2007: 43-49) در سال ۱۹۹۱ به دلیل جدایی روزنامه ملیت از سندیکای روزنامه‌نگاران ترکیه، دوره «سندیکازدایی» در عرصه مطبوعات آغاز شد. (Özsever, 2004: 158-171)

در سال‌های ۱۹۹۰ علی‌رغم اینکه در بازار مطبوعات ترکیه ۱۶ روزنامه داخلی وجود داشت، در سایه وبسایت‌های اینترنتی جمعاً ۳۵۰۰ روزنامه و مجله فعالیت داشتند. (Alver, 2011: 362) در سال ۱۹۹۹ جمعیت روزنامه‌نگاران مرتبط با «قوانین اخلاق مطبوعات»، سندی تحت عنوان «بیانیه حقوق و مسئولیت روزنامه‌نگاران ترکیه» منتشر کرد. در سال ۱۹۹۷، ۴۹ روزنامه، ۲۹ مجله و ۲۳ کتاب جمع‌آوری و علیه آنها اقامه دعوا شد؛ در بخش رادیو و تلویزیون ۷۵ برنامه توقیف گردید و علیه روزنامه‌های حریت، ملیت، صباح، استار و آکیت، به مقدار ۵ تریلیون

جریمه صادر شد. (Topuz, 2003: 315) اگرچه قانون شماره ۳۷۱۳ مورخه ۱۱ آوریل ۱۹۹۱ تحت عنوان «قانون مبارزه با ترور» ماده‌های ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون مجازات ترک را حذف کرد اما هنوز هم برخی تبلیغات تلویزیونی، رادیو و مطبوعات را بر اساس برخی شروط به عنوان جرم شناسایی می‌کرد. (Topuz, 2003: 276-277) در عرصه سیاسی هم، طی سال‌های ۱۹۹۵، نزاع سیاسی چیلر- ییلماز یک جنگ رسانه‌ای جدی و دو قطبی سازی رسانه‌ای را سبب شد و تا سال ۲۰۰۲ ادامه یافت. (Akpınar, 2002: 127) اما با برگزاری انتخابات سیاسی مورخه ۳ نوامبر ۲۰۰۲، هلدینگ‌های رسانه‌ای بار دیگر در اطراف حکومت گرد آمدند و وارد تماس‌های جدی شدند.

در این دوره، همانند نظام سیاسی که یک ساختار ائتلافی و پراز فراز و نشیب را سپری کرد، عرصه مطبوعات هم یک دوره پراز وحشت و انحصارگرایی و تشتت را تجربه کردند. لذا در این دوره، جریان مطبوعات ترکیه از جمله روزنامه‌نگاری توسعه روند نزولی داشت و سهم چندانی در روشننگری جامعه و تولید انرژی برای جنبش‌های اجتماعی خلق آگاهی برای درک صحیح و وضعیت سیاسی جامعه نداشتند. به عبارت دیگر، روزنامه‌نگاران نتوانستند در «بیان ارتباط اشکال اعتراضات نوظهور» و «بیان معنا و مفهوم عمیقتر» فعالیت داشته باشند.

مطبوعات و رسانه‌های ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۳ -

(۲۰۲۱)

بر اساس گزارش شورای مطبوعات، در سال ۲۰۰۱ روزنامه‌های ترک سخت‌ترین دوره تاریخ خود را به لحاظ توقیف رسانه و مطبوعات، دستگیری و زندانی کردن روزنامه‌نگاران و ... سپری کرد. روزنامه‌های «ینی گوند»، و «آکیت» توقیف شدند. روزنامه‌های ینی اورنسل، ینی آسیا، آکئیت، گونلوک، اورنسل و آکئیت در آناتولی جمع‌آوری شدند و بسیاری از رسانه‌ها و مطبوعات مشهور ترکیه توسط دولت تحت اختیار و کنترل هئیت تفتیش قرار گرفتند و دولت به بزرگترین کارفرمای رسانه مبدل گشت (Topuz, 2003: 316-317). اما، در تاریخ نوامبر ۲۰۰۲ بر اساس طرح اقدام ضروری حزب عدالت و توسعه به عنوان پنجاه هشتمین حکومت جمهوری

ترکیه همراه با تغییر و بازگشت ساختاری به جهت عضویت در اتحادیه اروپا، قابلیت و پتانسیل مسئولیت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مورد آزمایش قرار داده شد و موضوع شفافیت رسانه پیش‌بینی و بر اساس طرح اقدام داخلی اتحادیه اروپا (۲۰۱۹) به مرحله دوم عضویت وارد شد.

در این دوره، عنصر اصلی و تعیین‌کننده‌ی روابط دولت-رسانه، شیوه حکمرانی و سیاست‌ورزی ساختار حاکم است؛ به این دلیل که روند انحصارگرایی که دهه ۱۹۸۰ آغاز شده بود در این دوره هم با قوت ادامه یافت و تغییر و تحول جدیدی در ساختار سیاسی داخل و نظام بین‌الملل رخ نداده بود که زمینه تأثیربخشی بر مطبوعات و رسانه‌های ترکیه را فراهم کند. بنابراین در این دوره هم دولت همچنان رئیس اصلی عرصه مطبوعات است و مطبوعات و رسانه‌ها از ظرفیت و پتانسیل لازم جهت خلق مفاهیمی نوین از عرصه سیاست و سیاست‌ورزی برخوردار نیستند و ساختار سیاسی همواره در جهت بهره‌برداری ابزاری و یا سؤاستفاده سیاسی از صنعت رسانه عمل کرده است. (Adaklı, 2013: 560) به همین دلیل است که در سال ۲۰۰۲ که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید، هلدینگ‌های اقتصادی-رسانه‌ای طرفدار دولت کمتر از یک چهارم رسانه‌ها را در اختیار داشتند، اما در سال ۲۰۱۱ این واحدها حدود ۵۰ درصد رسانه‌ها را تحت کنترل خود درآوردند. امروزه تعداد قابل ملاحظه‌ای از رسانه‌های طرفدار دولت در اختیار اشخاص و شرکت‌های متمایل اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه هستند. به‌عنوان مثال، روزنامه «صاباح» قبل از اینکه توقیف شود، «نیویورک تایمز» ترکیه محسوب می‌شد، زیرا نوشته‌هایش لحن لیبرال داشت. این نشریه اینک در کنترل کامل اردوغان است. (چاغاتای: ۱۴۹-۱۵۴)

مع الوصف، حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، برای جلب حمایت واقعی رسانه‌ها و کنترل‌شان تلاش کرد ساختار مالکیتی و سرمایه‌ای رسانه‌ها را هم تغییر دهد. به اعتقاد چایلی و دپلی این تغییر و تحولات از سال ۲۰۰۷ به بعد رسماً آغاز شد. بدین ترتیب، با تنظیم و رده‌بندی مجدد صاحبان رسانه، رسانه‌های مرکزی به ابزار حکومتی و سخنگوی گفتمان اقتدار سیاسی تبدیل شدند. همچنین گروه‌های بزرگ رسانه‌ای به دلیل مواجهه با تهدیدهای اقتصادی و مشروعیتی، مجبور

شدند با ساختار سیاسی حاکم هماهنگ و تابع دستورات آن فعالیت نمایند؛ در حقیقت صاحبان رسانه، حفظ و مراقبت از اعتبار مالی و سرمایه‌ای‌شان را بر حفظ اعتبار جریانی و سیاسی ترجیح دادند. (صادقیان، اسدی، ۱۳۹۸: ۱۰) در حقیقت، ویژگی مهم و خاص این دوره، تغییر ساختار مالکیتی رسانه‌های ترکیه از «چندقطبی» به «تک‌قطبی» است که در اصل مانع بزرگی در برابر فرایند دموکراسی سازی ترکیه محسوب می‌شود. در اصل، دولت ترکیه با اعمال سیاست انحصارگری رسانه‌ای، در صدد تولید فضای «لینچی» در رسانه است، تا بدین ترتیب انتشار خبری «وحدت‌الشکلی» به نمایش بگذارد! طوری که اینک شاهد «تنگ» شدن هر چه بیشتر فضای رسانه‌ای ترکیه هستیم. به همین دلیل است که ترکیه علی‌رغم عضویت در سازمان‌های حقوق بشری از قبیل معاهده حقوق بشر اروپا، دادگاه حقوق بشر اروپا، شورای اروپا و موافقتنامه‌های حقوق بشری سازمان ملل و هم از منظر مفاد قانون اساسی در زمینه آزادی مطبوعات از جمله ماده ۲۶: «آزادی بیان و گسترش عقیده» و ماده ۲۸: «رسانه آزاد است و نمی‌توان بر آن سانسور اعمال کرد»، این کشور در بین دولت‌های عضو شورای اروپا، از لحاظ آزادی رسانه‌ها و بیان، همیشه جزو کشورهای بوده که بیشترین محدودیت را بر حوزه رسانه اعمال می‌کنند (Mumcu ve Koçak, Medya Raporu: 2018). رسانه‌ها در ترکیه به ویژه در سال‌های اخیر به قدری با موانع و محدودیت فعالیت رو به رو شده‌اند که تقریباً از اواسط دهه‌ی ۲۰۱۰ به این سو در بین ۱۸۰ کشور مورد بررسی سازمان‌های فراملی ناظر بر آزادی مطبوعات از قبیل سازمان روزنامه‌نگاران بدون مرز و خانه آزادی، رتبه‌ای پایین‌تر از ۱۵۰ را به خود اختصاص داده است.

با وجود جرم‌انگاری آزادی بیان و قدمت طولانی سانسور در ترکیه، مفهوم آزادی رسانه در این کشور با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ به این سو دچار تغییر و تحولات اساسی شده است. به‌عنوان مثال اکنون به جای روش‌های سخت‌افزاری علیه مطبوعات که در دهه ۱۹۹۰ رواج داشت، اکنون ابزارها و شیوه‌های مختلف و پیچیده جهت اعمال محدودیت بر فعالان این حوزه به کار گرفته می‌شود. به طوری که یکی از فعالان این حوزه این جمله معروف را در این باره بر زبان

آورده است: «قبلاً روزنامه‌نگاران کشته می شدند اما الان خود روزنامه‌نگاری در حال اضمحلال است» (Akdeniz ve Altıparmak, 2016:170).

مطبوعات در اوایل روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، به روش‌های مختلف و ظاهراً مثبت با مانع رو به رو می شدند. این حزب، مبارزه خود برای تداوم قدرت را به شکل مبارزه برای گسترش دموکراسی منعکس می کرد (Çınar, 2010). اما در سال‌های بعد و به‌ویژه بعد از سال ۲۰۱۱ که حزب عدالت و توسعه قدرت خود را مستحکم کرد، به روش‌های مختلف، رسانه‌ها در معرض محدودیت قرار گرفتند. بسیاری از دعاوی علیه فعالان این حوزه تا سال ۲۰۱۸ بیشتر با عطف به قانون رسانه‌ها اقامه می شد، اما بعد از تغییر سیستم پارلمانی به ریاستی، اتهامات کیفری از قبیل عضویت در گروه‌های تروریستی و غیرقانونی، مبنای گشودن پرونده علیه روزنامه‌نگاران قرار گرفت (Mumcu ve Koçak, Medya Raporu: 2018).

برخی از موانع پیش‌روی رسانه‌ها در ترکیه هم با اسامی‌ای از قبیل «افشای اسرار دولتی، تخریب دولت و افکار عمومی، تحریک مردم» و همانند آن بر جامعه مطبوعاتی تحمیل می شود؛ این ذهنیت موجب می شود که علی‌رغم جرم بودن بسیاری از افعال سیاستمداران در این حوزه از منظر قانون، عملکردهای آنها مشروع قلمداد شود (Tahincioğlu, 2016:168).

در گزارشی که در مورد آزادی رسانه‌ها و با عنوان "Democracy in Crisis: Corruption, Media and Power in Turkey" منتشر شد، آمده است که حزب حاکم عدالت و توسعه در سال‌های اخیر برای ایجاد فشار بر روی رسانه‌های مخالف و منتقد خود از راهکارها و تکنیک‌های پیچیده و بعضاً زنجیروار استفاده کرده است که از مهم‌ترین آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. ترساندن؛
۲. اخراج‌های دسته‌جمعی؛
۳. خرید غول‌های رسانه‌ای ترکیه و یا تلاش‌های مستقیم برای ورشکست کردن آنها؛
۴. کنترل مکالمات تلفنی شهروندان و به شکل خاص روزنامه‌نگارها و اصحاب رسانه؛
۵. بازداشت. (خبرگزاری مهر، ۱۶ خرداد ۱۳۹۴)

اساساً در دو دهه اخیر، نقش رسانه‌های وابسته به حزب عدالت و توسعه در تقویت و تحکیم استبداد اردوغان قابل ملاحظه است؛ انحصار رسانه‌های ارتباطی و استفاده تبلیغاتی از آنها در حقیقت یکی از مهم‌ترین وجوه حاکمیتی حزب عدالت و توسعه هستند.

بنابراین، اگرچه در سال‌های اولیه حاکمیت حزب عدالت و توسعه (سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۷) به دلیل رعایت موازین کپنهایک از سوی ساختار سیاسی، و تلاش برای استقرار و بقاء نظام سیاسی، شاهد حاکم شدن نسبی رویه «خیرخواهی اقتدارگرا» هستیم اما به تدریج با کاهش روند دموکراسی‌سازی و تغییر هدفدار برخی از مفاد قانون اساسی و نهایتاً تغییر نظام سیاسی از پارلمانی به ریاستی، رویه «خیرخواهی اقتدارگرایی» رنگ می‌بازد و شاهد رویه تمامیت‌خواهی هستیم که فضای رشد و توسعه روزنامه‌نگاری توسعه را به میزان زیادی محدود و تنگ نمود. معهداً، به جهت رشد و توسعه نسبی روزنامه‌نگاری توسعه در یک دهه اول حاکمیت حزب عدالت و توسعه، روزنامه‌نگاران توانستند نقش روشنفکران حرفه‌ای را بازی کنند و انرژی لازم برای جنبش‌های اجتماعی فراهم کرده و به خلق آگاهی درباره نیاز به کنش کمک کنند. به بیان دیگر، روزنامه‌نگاران توانستند در «بیان ارتباط اشکال اعتراضات نوظهور» و «بیان معنا و مفهوم عمیق‌تر» کمک کنند. حضور گسترده گروه‌ها و سوره‌های انسانی در میدان اعتراضات سیاسی «پارک گزی» در سال ۲۰۱۵، اثبات‌گر این ادعا است. هرچند بعد از کودتای ۲۰۱۶ و تغییر نظام سیاسی از پارلمانی به ریاستی، این نقش‌آفرینی به میزان زیادی کنترل و محدود شد و اینک با یک فضای سیاسی تنگ و تاریک برای روزنامه‌نگاران مواجه هستیم؛ طوری که ترکیه به «زدان تاریک روزنامه‌نگاران اروپا» معروف شده است.

نتیجه‌گیری

ا‌س‌ا‌ در ترکیه، مراحل گذارِ مربوط به نظارت سازمانی همانند روند تغییر و تحول دولتی، بازسازی ساختار حکومت مرکزی و ادارات محلی، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و نظارت، از طریق رسانه‌های سراسری و محلی به عنوان رکن چهارم دموکراسی و نظارت‌کننده بر عملکرد دولت، در افکار عمومی انعکاس می‌یابد و بدین شکل روزنامه‌نگاری توسعه، راه را برای مباحث جدید باز می‌کند. معه‌ذا، با مرور دوره‌های مختلف حکم‌رانی در تاریخ تقریباً یک قرن اخیر ترکیه، به نظر می‌رسد رابطه دولت و رسانه به ندرت در قالب رویکرد «خیرخواهی اقتدارگرا» که به ضرورت همکاری رسانه‌ها و دولت تأکید دارد، استوار بوده است؛ معه‌ذا جریان مطبوعات به‌ویژه «روزنامه‌نگاری توسعه» توانسته است در بزنگاه‌های تاریخی نقش روشن‌فکری حرفه‌ای را بازی کند، انرژی لازم برای جنبش‌های اجتماعی فراهم نماید و در خلق آگاهی درباره نیاز به کنش نقش‌آفرین باشد. به عبارت دیگر، در ترکیه روزنامه‌نگاری توسعه تلاش دارد در قالب رویکرد «خیرخواهی اقتدارگرا»، مواضعی جدید در خصوص حل‌وفصل مشکلات مربوط به توسعه ارائه کند که هدف آن بیشتر خدمت به مردم عادی و نه نخبگان باشد. در این راستا، برنامه‌ریزی در خصوص مسائل تأثیرگذار بر زندگی مردم، پرداختن روزمره به تحولات بلند، بر زبان آوردن انتقادات مستقل از دولت، تمرکز بر تحولات اقتصادی و اجتماعی هنگام شکل‌گیری ملت-دولت، پرداختن به استاندارد زندگی شهروندان عادی از جمله دغدغه‌های اصحاب رسانه در ترکیه بوده است. در حقیقت، در ترکیه روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه در بزنگاه‌های تاریخی توانستند در «بیان ارتباط اشکال اعتراضات نوظهور» و «بیان معنا و مفهوم عمیق‌تر» نقش‌آفرین باشند که این امر مهم، به حفظ و تقویت فرایند دموکراسی‌سازی اثربخشی مثبتی داشته است.

هرچند در این میان، تأثیر و تأثرات نظام جهانی در روند مثبت روزنامه‌نگاری توسعه در ترکیه محسوس است؛ بعد از پایان جنگ جهانی دوم، ترکیه با تحول بزرگی در عرصه سیاسی مواجه شد که به تبع آن در نظام رسانه‌ای و مطبوعات این کشور هم منعکس یافت. در سال ۱۹۴۵ با رایزنی‌های آمریکا با هدف جلوگیری از نفوذ

شوروی در ترکیه، سیستم سیاسی چندحزبی در این کشور پایه‌گذاری شد و به موازات این تحول در نظام سیاسی، رسانه‌ها به مثابه رکن چهارم سیستم‌های دمکراتیک، آزادی عمل بی‌سابقه‌ای در مقایسه با گذشته پیدا کردند. در سال‌های ۱۹۸۰ هم با گشایشی که در سیاست خارجی دولت ترکیه ایجاد گردید، روند رشد و توسعه روزنامه‌نگاری توسعه و اساساً صنعت مطبوعات و رسانه‌ای ترکیه تقویت شد. همچنین با آغاز پروسه عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و رعایت موازین کپنهاگ از سوی ترکیه، گشایش بزرگی در عرصه مطبوعات و رسانه‌های ترکیه ایجاد شد و رشد قابل توجهی در این ایران عرصه حاصل گردید. هم‌اکنون هم یکی از حامیان اصلی فضای رسانه‌ای و مطبوعاتی ترکیه، اتحادیه اروپا است که همواره دولت حزب عدالت و توسعه را به جهت افزایش محدودیت‌ها علیه اصحاب رسانه مورد انتقاد قرار می‌دهد. معهداً، در دو دهه اخیر با یک پدیده جدید مواجه هستیم که به نظر می‌رسد روزنامه‌نگاری به معنای عام آن و روزنامه‌نگاری توسعه را با موانع جدید مواجه کرده است. در این دوره، با غالب شدن رویکرد «دشمنی اقتدارگرا» به جای رویکرد خیرخواهی اقتدارگرا، «مالکیت رسانه‌ها» به‌عنوان یکی از امتیازات اصلی عرصه رسانه و مطبوعات از آنها سلب شده است. به عبارت دیگر، در دوره‌ی حکومت دو دهه اخیر حزب عدالت و توسعه، رابطه‌ی میان بنگاه‌های رسانه‌ای و ساختار حکومتی از نوع «تصرف و سلطه» بوده و دولت حاکم، نظام مالکیتی اکثر رسانه‌های غیرهم‌سو را تصرف و تغییر داده است؛ طوری که ساختار مالکیتی رسانه، از چندقطبی به تک‌قطبی شیفت کرده است.

در اصل دولت ترکیه با اعمال سیاست انحصارگری رسانه‌ای، در صدد انتشار اخبار «وحدت الشكل» است؛ طوری که اینک شاهد «تنگ» شدن هر چه بیشتر فضای رسانه‌ای ترکیه هستیم و این موضوع سبب شده است روزنامه‌نگاران توسعه در انجام وظایف خود یعنی روشن‌گری جامعه و تولیدآگاهی درباره نیاز به کنش دچار ضعف و نقص شوند.

منابع فارسی

۱. استراوس، آنسلم، کربین، جولیت (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، مترجم: ابراهیم افشار، نشر نی، تهران.
۲. جاغاپتای، سونر (۱۳۹۷)، سلطان جدید؛ اردوغان و بحران در ترکیه، مترجم: مهدی قراچه‌داغی، نشر: نسل نواندیش، تهران.
۳. صادقیان، حسن و اسدی، عباس (۱۳۹۸)، «تغییر مالکیت رسانه‌ای چندقطبی به تک قطبی در ترکیه (دوره حزب عدالت و توسعه)، فصلنامه علوم خبری، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۸، صص: ۱۱-۳۲.
۴. صادقیان، حسن، (۱۴۰۰)، فرایند دموکراسی سازی در ترکیه، و موانع تحکیم آن در دولت حزب عدالت و توسعه، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
۵. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷) تأملی بر تکنیک ردیابی فرآیند در مطالعات انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۴۰.
۶. فاضلی، محمد (۱۳۸۹)، بنیان‌های ساختاری تحکیم دموکراسی؛ ترکیه، ایران و کره جنوبی، تهران، نشر کندوکاو.
۷. کافی، مجید (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی تاریخی (مبانی، نظریه‌ها و مفاهیم)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

منابع لاتین

1. Adaklı, G. "2002-2008: Türk Medyasında AKP Etkisi", AKP Kitabı: Bir Dönüşümün Bilançosu, Der. İlhan Uzgöl, Bülent Duran, Ankara: phoenix Yayınevi, 2013.
2. Akdeniz, Y. Altıparmak, K. (2016), Türkiye’de muhalif Düşüncenin Susturulması ve İfade Özgürlüğü içinde Tehlike Altında Gazetecilik: Tehditler, Mücadele Alanları, Yaklaşımlar, İstanbul, Bilgi Üniversitesi Yayınları.
3. Akpınar, H. (2002). Onların Hikayesi. Nasıl Gazeteci Oldular?. Ankara: Ümit Yayıncılık.
4. Aksoy, M. (1993). Devlet ve Basın. Devlet ve Basın Paneli, 10 Ekim 1992, Milli Kütüphane, Ankara: ÇGD Yayınları.
5. Alver, F. (2011). Gazetecilik Bilimi ve Kuramları. İstanbul: Kalkedon Yayınları.

6. Atasayan, M. G. (2012). Kamu Hizmetlerinin Süreklilik ve Düzenlilik İlkesi. 11. Baskı, İstanbul: Oniki Levha Yayıncılık.
7. Bulunmaz, B. (2019), Türk Basın Tarihi İçerisinde Demokrat Parti Dönemi ve Sansür Uygulamaları, İstanbul: Öneri Dergisi
8. Ceyhan, D. (1984). Bab-ı Ali'nin Şu Son Kırk Yılı. İstanbul: Milliyet Yayınları.
9. David Collier, University of California, Berkeley, ps: political science and politics. 44/No.4 (2011):823-30
10. Dietrich Jung & Wolfgang Piccoli, (2001) «Turkey at the Crossroads: Ottoman Legacies and a Greater Middle East, London\ New York: Zed Books\ 231 pages
11. Erdoğan, İ. (2007). Türkiye'de Gazetecilik ve Bilim İletişimi, Yapısal Özellikler Sorunları ve Çözüm Önerileri. Ankara: Gazi Üniversitesi İF Yayın.
12. Eşel, O. G. (2011). Demokrat Parti Dönemi Türk-Amerikan İlişkilerinde Basın Sansürü ve Pulliam Davası. Türklük Bilimi Araştırmaları, (29), 145-162.
13. Gürkan, N. (1998). Türkiye'de Demokrasiye Geçişte Basın. İstanbul: İletişim Yayınları.
14. Koloğlu, O. (1993). Türk Basını, Kuvayı Milliye' den Günümüze (70. Yılında Cumhuriyet Basını). Kültür Bakanlığı Yayınları Demokrasi Klasikleri Dizisi. Ankara: Profil Yayıncılık.
15. Kunczik, M. (1988). Concepts of journalis, North and South. Bonn: Friedrich-Ebert-Stiftung.
16. I, A. M., Xavier, R. J. ve Glen, B. (2005). Toward a model of organizational legitimacy in public relations theory and practice. Proceedings International Communication Association Conference, 1-22, New York. Erişim adresi: <https://eprints.qut.edu.au/10132/1/10132.pdf>
17. MEGEP (2008). Türk Basınının Doğuşu ve Gelişimi, Gazetecilik. T.C. Millî Eğitim Bakanlığı, Mesleki Eğitim ve Öğretim Sisteminin Güçlendirilmesi. Ankara: MEGEP Yayınları.

18. Mumcu, N., Koçak, S. (2018), *AKP Döneminde Medya Çalışanlarına Yönelik Baskı ve Cezalandırmalar: Medyanın Üzerinde Gezen Kılıç*, İstanbul: Hala Gazeteciyiz
19. Nasr, S.V.R. (1999). European Colonialism and the Emergence of Modern Muslim States. *The Oxford History of Islam*, 549-600. (Edit: J. L. Esposito). Oxford University Press, NewYork.
20. Özsever, A. (2004). *TekelciMedyadaÖrgütsüzGazeteci*. Ankara: İmgeKitabevi.
21. Romano, A. R. (2005). Asian journalism: News, development and the tides of liberation and technology. *Journalism and democracy in Asia*, 1–14. London: Routledge.
22. Romano, A. R. ve Hippocrates, C. (2001). Putting the public back into journalism. *Journalism theories in practice*, 166–184. Melbourne: Oxford University Press.
23. Tahincioğlu, G. (2015), *DevletDersi: ÇocukHakİhlallerindeCezasızlıkÖyküleri*, Ankara: NotabeneYayımları.
24. Topuz, H. (2003). *II. Mahmut'danHoldinglereTürk Basın Tarihi*. İstanbul: RemziKitabevi.
25. Topuz, H. (2020). *Menderes Döneminde Basın Özgürlüğü*. İstanbul: Cumhuriyet.
26. Topuz, H., Öngören, M.T., Aziz, A. veÖnen, M. (1990). *YarınınRadyoveTelevizyonDüzeni*. Özgür, ÖzerkveÇoğİlucuAlternatif. İstanbul: TÜRSES-ILAD.
27. Xiaoge, X. (2009). *Development Journalism. The Handbook of Journalism Studies*, 357-370. (Edts: K. Wahl-Jorgensen and T. Hanitzsch), ICA handbook series. New York: Routledge